

ویژه نوری (عباسی) - ۳

حمید نوری (عباسی) نمونه‌ی حقیر وقاحت در اعدام هزاران تن در زندان گوهردشت

امیر جواهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com



روز جمعه ۲۶ نوامبر ۲۰۲۱ در ادامه‌ی محاکمه‌ی حمید عباسی (نوری) در استکهلم، مانند دو جلسه‌ی قبلی، پرده‌های دیگری از دروغ‌گویی، نخوت، دل‌ک بازی، مسخرگی و لودگی، عصبی، مرثیه خوانی‌ها، آرتیست بازی، مجیزه گوی نظام اسلامی، پرخاشگرانه و نوعی شارلانتانیزیم آشکار را این مجرم جامعه ما به عینه به نمایش گذاشت. برخی از اظهارات «حمید عباسی» که بیان مانیفیسیت دفاعی در روز اول بود بیش از هر چیزی پیام وفاداریش به نظام اسلامی ایران بود.



مجید نوری

محمد رضا نیلی

لیاس شخصی

این سخنان رادر حالی پیش برد که چهارتن از سفارت ایران از جمله: کاردار سفارت ایران در کنار علاء دینار (Ala Dinar) - حانی میر مهدی (Hani Mirmadi) - محمد رضا نیلی (Mohammad Reza Nili) ساک بردست - سید رضا رفیعی (Seyed Reza Rafiey) - در کنار همسر - دختر و پسر و داماداش در دادگاه حضور داشتند .

در روز سه شنبه ۲۳ نوامبر، اولین روز اظهاراتش که شش ساعت تمام و راجی نمود، نشانه‌ی خود شیفتگی مطلق این آدمک کاغذی است که می‌گوید: «یکی از سیاست‌هایی که اینجا اعمال می‌شود بهم ریختن تمرکز من است. من خیلی حواسم جمع است، خیلی زرنگ و باهوشم، در این دام نمی‌افتم». یا عنوان می‌دارد: «ما در ایران زندانی سیاسی نداریم، حرف من این است، آیا استعلامی گرفته شده این آقایان اصلاً زندان بودند؟ یا چرا زندان بودند، به چه اتهامی، کی آزاد شدند؟ من استعلام رسمی در این پرونده نمی‌بینم! باید سندیتی باشد که این‌ها در زندان بوده‌اند یا نه...» در جای دیگری می‌گوید: «حرف‌های من را بپذیرید. من ۱۰ سال در سیستم قضایی ایران کار کرده‌ام، همه‌ی عناوین را حفظم، اطلاعات من کامل است، اطلاعات من به روز است...» بار دیگر در همان روز سه شنبه درباره‌ی دانسته‌های خود به شکل اغراق آمیزی می‌گوید: «تمامی قوانین ایران را می‌دانم از بس که مطالعه می‌کنم، در شرکتی هم که کار می‌کنم تمام موارد حقوقی‌اش زیر دست من است و رئیس‌اش اجازه نمی‌دهد این‌ها زیر دست کسی باشد، فقط می‌گوید حمید این‌ها زیر دست تو باشد، تا شب صدتا پرونده‌ی حقوقی قضایی می‌خوانم...» حمید نوری، در دادگاهش در استکهلم با بیان اینکه من پاسدار بودم نه بازجو، گفت: «عاشق کسانی هستم که در زندان گرفتارند» او افزود: «به زندانیانی که از بازجویی باز می‌گشتند می‌گفتم: عزیز دلم، خوش اومدی، قربونت برم، برو تو اتاقت» او سپس درباره‌ی کار و علاقه‌مندی‌اش به کار در زندان و برخورد با زندانی می‌گوید: «...از بس که به کار زندان علاقه‌مندم. من عاشق کسانی هستم که در زندان گرفتارند. دیوانه این کارم. همه را مثل خانواده خود می‌دانم. اشتباهی کرده‌اند و زندان رفته‌اند. خیلی زندانی‌ها را دوست دارم. اگر دوباره هم به من بگویند: می‌روم در زندان کار می‌کنم...».

آنچه تا اینجا کار و در دل همین سه جلسه اظهارات، بالا و پائین زدن‌ها و رقص شتری «حمید عباسی»، می‌بینیم، نشانگر این است که او می‌خواهد نمونه‌ی تپیک یک جنایت کار، بدون ارتکات جنایت، شناخته شده و لابد بدون هیچ‌گونه خطاکاری و جرمی از سوئد به ایران بازپس فرستاده شود تا برای به اصطلاح «مقاومت» تاریخی‌اش در دادگاه استهکم که بیش از صد شاکی و شاهد و پُرشمار خانواده‌های خاورانی اعم از: مادران، همسران، خواهران و فرزندان اعدام شدگان حاضر و شاهد، اسناد و مدارک انکار ناپذیر ارائه دادند، پیروز شود و «امت در صحنه» به استقبال او بیایند و دسته گل به گردنش آویزند.

او مرتب تکرار می‌کند: «در این دادگاه یک سری کلمات را اشتباه گفته‌اند و من به عنوان یک ایرانی باید بگویم؛ ما در ایران سازمانی به نام مجاهدین و زندانی به نام گوهردشت نداشتیم. اگر این‌طوری بگویم به محض اینکه به ایران بروم به جرم جعل هویت زندانی می‌کنند، خواهش می‌کنم شرایط من را درک کنید» و ادامه می‌دهد: «من اگر اسم مجاهدین را ببرم به محض اینکه به ایران برسم، دستگیر می‌شوم. دستگاه قضایی ایران فوق‌العاده جدی و قانونمند است. من در بازجویی‌هایم گفته‌ام: الان که اسم مجاهدین و گوهردشت را برده‌ام می‌ترسم. از همین الان ترس وجودم را گرفته، من برسم ایران صد درصد دستگیر می‌شوم، شک ندارم» آخه یکی نیست به این الدنگ دروغگو و شارلاتان بگوید یا بپرسد: اگر امروز در سال ۱۴۰۰، به ایران برگردی به جرم یاد کردن از نام مجاهدین تو را که - نوکر بی جیره و مواجب آنهایی - می‌گیرند و به زندان می‌برند، چطور در سی و سه سال (۳۳) پیش با جانبداران این سازمان و پخش کنندگان اطلاعاتی و روزنامه‌های آن مهربانی کرده‌ای و به نوازش آنان بر آمدی؟ این همه سیاه نمایی و چرب زبانی و دیو صفتی برای چیست؟ تا اینجا کار بیان «حمید عباسی» نمونه‌ی تپیک لمپنیزم محض جمهوری اسلامی است و آن انکار واقعیات است. نمونه‌ی حقیر و قاحت ساخته‌ی دستگاه ولایت.

در برابر همین ادعاها و عدم پاسخگویی به پرسش‌های مشخص خانم دادستان در همین سه روز به دفعات رئیس دادگاه و دادستان بدو تذکر دادند و تأکید ورزیدند که جانب انصاف را رعایت کند و حد خودش را بشناسد، اما به گوش حمید عباسی همچون خرک سیاه، نرفت که نرفت!

رئیس دادگاه قاضی ساندر به او گفت: «کمی آرام بگیر، حمید عباسی! و یا رفتار خودت را به سطح دادگاه برسان!»

رئیس دادگاه به حمید نوری تذکر داد: «با احترام در مورد افراد صحبت کنید!»

دادستان به او گفت: «حمید بس است! این بی ادبی است. همان چیزی که از تو پرسیده می‌شود را جواب بده. این پرروئی است. جواب سؤال را بگو.»

«حمید عباسی» در سومین روز اظهاراتش هرگاه که به جفنگ گویی دلکچ مآبانه روی می‌آورد و داستان بافی می‌نمود با ردالتی شرورانه از شاکیان در دادگاه نیز نام می‌برد. به سیامک نادری شاکلی و شاهد در روز چهارشنبه هشتم (۸) سپتامبر برابر هفده (۱۷) شهریور در همین دادگاه شهادت داد و امروز هم بعنوان ناظر در دادگاه نشسته، با نسبت دادن دروغ به او، نامش را می‌برد از او یاد می‌کند. و یا مثلاً آنگاه که در جواب به سؤال دادستان درباره کشتار ۶۷، قصه سرایی می‌کند که دو ماه قبل و دوماه بعد از زمان کشتار ۶۷ به علت زایمان زنش در مرخصی بوده و زنش ده روز حمام زایمان را در خانه مادر پدرش به سر می‌برده! بعد به ناگهان و بدون مقدمه می‌گوید: که خانم

«عصمت طالبی کلخوران» میداند حمام زایمان چیست!- مترجم حاج و واج می ماند و می پرسد چی؟!- لابد به اشاره می گوید که این ، رئیس دادگاه ،قاضی ساندر ، بلافاصله بدو تاکید میوزرد که نام شاهدان و شاکیان حاضر در سالن را به کار نگیری ولی این نآدم وقیع، ملتسمانه ول کن معامله نیست .



«حمید عباسی» اسم رفیق «عصمت طالبی کلخوران» را درحالی یاد می کند که خود او بعنوان شاکی وزندانی دهه شصت در روز اظهاراتش به تاریخ پنجشنبه ۲۸ اکتبر برابر ۶ آبان درهمین دادگاه یاد نمود که «در سال ۱۳۶۴، من در شرایطی بازداشت می شوم که یک هفته از به دنیا آوردن فرزندم به شکل سزارین می گذشته است. فرزندم را به مادرم تحویل می دهند... خود او به مدت سه ماه در راهروهای بند سه هزار با یک پتوی سربازی به سر برده است،... سپس برای هفت-هشت ماه به او اجازه حمام و دوش گرفتن نداده اند و سینه های او به دلیل جمع شدن شیر، آبسه می کند. همسرش «مجید سمنانی» با حکم حبس ابد، اعدام می شود و برادرش «عادل طالبی» با حکم ۱۰ سال زندان در زندان گوهردشت اعدام می شود.» و این همه درحالیستکه رفیق بعنوان شاکی و شاهد پرونده در دادگاه حضور دارد و در آن سالن نشسته است! و «حمید عباسی» با دلکک نمایی ویژه خود چنین آدم زخم خورده ای را دیگر بار با این حرف هایش بعنوان شاهد مثال شکنجه می کند!

دیگر بار رئیس دادگاه قاضی ساندر به حمید نوری اعتراض کردند و به او تذکر دادند که حق ندارد نام کسانی را که درسالن دادگاه حضور دارند و شاکی و شاهد، ناظر ورق خوردن پرونده او هستند را بدون اجازه بر زبان آورد!

«حمیدعباسی» در دادگاه استکهلم خود را خدمتگزار و زبان حال ۸۵ میلیون ایرانی عزت مند و با شرافت می شناسد و خود را جزیی از این خانواده ی ایرانی داخل و خارج از کشور معرفی می کند. دفاع «حمیدعباسی» در دادگاه استکهلم از کرده ی خویش در مقام دادیاری زندان اوین، نشان می دهد که ما در کشور ایران، با آدم های رؤف، مهربان، خویشتندار، نجیب و همه سر جانبدار انسانیت در آپارات حاکمیت اسلامی روبهرو هستیم و این خود مردم ایران هستند که طی این چهار دهه در مقام زنان کنشگر، کارگر، معلم، بازنشسته، کشاورزان

تشنه‌ی بی آب، فعالان محیط زیست، دانشجو، بیکار، نویسنده، شاعر، وکیل، فعالان ملی - فعالان عقیدتی و مذهبی، بهائیان، فعالان سیاسی و... دنبال مطالبه‌گری‌اند و در خیابان‌ها فریاد بر می‌آورند و بعد هم در زندان‌ها، توسط امثال حمید عباسی‌ها آموزش اخلاق می‌یابند و همه‌ی اینان طی بیش از چهار دهه در مقابل این حاکمیت صدیق، به آزار خویش مشغولند!

من به عنوان یک فعال سیاسی و دبیر اخراجی از کشورم، انسان برآمده از آن سرزمین و به عنوان آدم تبعیدی، امروز همچون دیروز برای آزادی و آبادی آن جامعه در مقابل نکبت نظام اسلامی در پیوند با مبارزات مردمان جامعه‌ام برانم: باید انسان ایرانی شرم کند که جنایت کار مجرمی با مشخصه‌ی «حمیدعباسی» که در سی و سه (۳۳) سال پیش در اطاق «حسینیه» یا «آمفی تاتر» زندان گوهردشت، الله اکبرگویان، صندلی از زیر پای پُرشمار یاران سربردار ما که آویخته برچوبه‌های دار بودند، می‌کشیدند و جنایت می‌آفرید، امروز خود را در دادگاهی با مشخصه‌ی استکهلم در پیشگاه جهانیان و افکار عمومی جامعه‌ی ما، خدمتگزار آنان، رئوف و مهربان و دوستدار زندانی، معرفی می‌کند.

در طول این سه روز، همه‌ی تلاش «حمید عباسی» در این‌ست‌که؛ در هیکل آدمی ناکرده باقی بماند و به جای اعتراف به گناه، از بی گناهی خود و همه‌ی اربابانش در درون جامعه به دفاع برخیزد و همه‌ی آنچه را که در این دادگاه به نمایش گذاشته شد، به پرونده سازی و وارونه انگاری شاکیان و شاهدانش گذاشته شود و به انکار آنان برآید.

در همان روز اول، با وقاحت بی‌مانندی بر زبان می‌راند: «یک آقایی ساک با خودش آورده، اینجا نشسته، مختار شلالوند که می‌گوید: این ساک ۱۶ روز کوه به کوه در راه بوده تا به اینجا رسیده، اصلاً متوجه نیست چی میگه، مگر مواد مخدر است، یعنی هر کسی یک ساک بیاورد شما قبول می‌کنید؟»

حمید عباسی با وقاحت کم نظیری در پیشگاه دادگاه اعلام می‌کند: «اسم یک سری خواهر و برادر گفته شده که می‌گویند: برادر و خواهر ما کشته شده، دیدید که شال و عکس و ساک می‌آورند که می‌گویند: ضمیمه پرونده کنید...»، این گونه ادعاهای «حمیدعباسی» انکار موجودیت جان‌های خفته در خاوران‌های ایران است که مادران، همسران، خواهران و برادران و یاران آنان امروز، در برابر این توهین و انکار عامدانه‌ی این مجرم «حمیدعباسی» به مانند تمامی این سی و سه (۳۳) سال دیگر بار شکنجه‌ی روحی و روانی می‌گردند، اما همچنان در دادگاه باقی می‌مانند تا داد خود ستانند.

«حمیدعباسی» با وقاحتی یگانه که ویژه‌ی خود اوست، در روز سه شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۲۱ برابر دوم آذر ۱۴۰۰ در دادگاه استکهلم، در اساس منکر فتوای خمینی برای سازماندهی «کمیته» یا «هیئت مرگ» و پهنه‌ی کشتار و خون و

قتل عام سال ۱۳۶۷ می‌شود و آنرا نه فتوا بلکه یک نامه معرفی می‌کند و در دادگاه می‌گوید: «این نامه است، نامه‌ای که منتظری در کتابش گفته، منتسب به حضرت امام خمینی است» و ادامه می‌دهد: «چون ایشان فوت کرده، دیگر زیاد در مورد او حرف نمی‌زنم، زیاد جالب نیست، چون نمی‌تواند از خودش دفاع کند، اما منم چاره‌ای ندارم چون من را محاکمه می‌کنند به دلیل نامه‌ای که ایشان منتشر کردند و اسمش را فتوا گذاشتند...»

برای کل جامعه‌ی ما امروز همچون دیروز آشکار است که جنایت کشتار خونین دهه‌ی شصت و خاصه تابستان خونین ۶۷ برآمد فتوای شخص خمینی، آمران و عاملان جنایت قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ بوده است.

من در این نوشته تلاش دارم که روی سه موضوع متمرکز گردم

یکم: ارائه خود فایل صوتی آقای منتظری

دوم: آنانی که از چهره‌های شاخص نظام بودند و هستند قضاوت آنانی را در باطل اعلان داشتن مدعای «حمید عباسی» در این دادگاه را اعلام دارم.

سوم: ارائه لیستی توامان از دست اندرکاران کشتار ۶۷ از زندان‌های گوه‌ر دشت و اوین در همان سال‌ها.

*** اول -** فایل صوتی جلسه آیت الله منتظری با هیت مرگ به تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ با حضور حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت)، مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین که در آن گفته: «به نظر من بزرگترین جنایت که در جمهوری اسلامی شده و در تاریخ ما رو محکوم میکنه به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران توی تاریخ می‌نویسند. این، بی رودر بایستی».

<https://soundcloud.com/bbcpersian/1367a>

**** دوم -** قضاوت چهره‌ها در باب فایل صوتی آقای منتظری:

اکبر هاشمی رفسنجانی:



هاشمی رفسنجانی هم نسبت به انتشار فایل صوتی آیت الله منتظری موضع‌گیری کرد. او نیز همانند گروهی از مقامات، از جمله خود رهبر، هدف از انتشار این فایل را بی‌حرمتی به خمینی دانست و انتشار آن را محکوم کرد.

احمد خاتمی امام جمعه تهران:



احمد خاتمی با اشاره تلویحی به صحبت‌های حسینعلی منتظری درباره‌ی اعدام‌های ۶۷ گفته است زندانیان عضو سازمان مجاهدین خلق محارب بوده‌اند و رویکردهای قرآنی شدیدترین مجازات‌ها را برای محاربین در نظر گرفته است.

مصطفی پور محمدی:



مصطفی پور محمدی؛ وزیر دادگستری دولت حسن روحانی و عضو هیأت مرگ در سال ۶۷: «ما افتخار می‌کنیم که دستور خدا در رابطه با منافقین را اجرا کردیم و در مقابل دشمنان خدا و ملت با قدرت ایستادیم و مقابله کردیم.»

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور نظام اسلامی:



خبرنگار بخش انگلیسی‌زبان شبکه الجزیره به نقش ابراهیم رئیسی در اعدام هزاران زندانی در ایران در تابستان ۶۷ اشاره کرد و از او پرسید که این موضوع «چه تاثیری می‌تواند بر نحوه تعامل شما با کشورهای دیگر داشته باشد و آیا قصد دارید به غرب سفر کنید؟»

ابراهیم رئیسی در پاسخ به سوال «ترجمه» شده، ادامه داد: «اگر یک دادستان از حقوق مردم و امنیت جامعه دفاع می‌کند، او باید مورد تقدیر و تشویق قرار بگیرد. افتخارم این است که در کسوت دادستان هر جا که بودم دفاع از امنیت و آسایش کرده‌ام.»

*****سوم: همهی آن عاملان - مکلا و معم - چه مرده و چه زنده در جنایت عظیم کشتار چهره‌های زیر را در زندان‌های ایران نمایندگی می‌کردند همچون:**



عاملین جنایت قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

حسین علی نیری ، حاکم شرع پیشین، رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران و رئیس هیئت کمیسیون مرگ - مرتضی اشراقی، دادستان پیشین تهران، از اعضای اصلی کمیسیون مرگ) - سید ابراهیم رئیسی، معاون پیشین دادستان تهران و از اعضای اصلی کمیسیون مرگ، امروز در مقام رئیس جمهوری نظام اسلامی - مصطفی پورمحمدی، نماینده وقت وزارت اطلاعات - شیخ محمد مغیثه‌ای (رئیس زندان گوهردشت با نام مستعار ناصریان که در ابتدا بازجوی سابق شعبه‌ی ۳ اوین بود. از سال ۶۴ دادیار قزلحصار و سپس گوهردشت شد. سال ۶۶ رئیس زندان گوهردشت بود. وی فعال‌ترین عناصر در قتل‌عام‌های گوهردشت در سال ۱۳۶۷ بود.)- نادری (دادستان وقت کرج، امضاکننده‌ی حکم اعدام کرجی‌ها در قتل‌عام زندانیان گوهردشت) - مرتضی صالحی (با نام مستعار صبحی، از سال ۶۱ تا ۶۴ رئیس زندان گوهردشت بود.)

علی مبشری (از حکام شرع اصلی و قدیمی اوین.)- مجتبی خلوایی (معاونت انتظامی اوین و از نفرات اصلی اجرا کننده‌ی اعدام‌ها بود؛ وی از پاسداران و شکنجه‌گران قدیمی اوین است که در کنار لاجوردی- راوندی (از حکام شرع دادگاه‌های اوین) - سید مجید ضیایی (دادیار زندان اوین، از بازجویان قدیمی اوین و از عاملین شکنجه و اعدام و تجاوز می‌باشد)- پیشوا (نام مستعار

سربازجوی شعبه‌ی يك اوین) - میثم (از مسئولان زندان اوین، وی مدتی مسئول زندان عادل آباد شیراز بود). - حسین زاده (مدیر داخلی زندان اوین، وی از عناصر مرتجع در زمان شاه و از همان سال‌ها جزو دارودسته‌ی لاجوردی بود) - مجید قدوسی (از مسئولان سرکوب و شکنجه، از پاسداران قدیمی اوین و از عوامل شکنجه و اعدام و تجاوز به زندانیان). - جوهری فرد (از مسئولان زندان، با نام مستعار مهدوی) - محمد خاموشی (از مسئولان سرکوب و شکنجه، و در گذشته مسئول واحد يك زندان قزل حصار و معاون زندان بود).

- اکبر کبیری آرای (فکور)، (از عوامل اصلی شکنجه و اعدام و تجاوز به زندانیان) - محمد سلیمی آخوند (حاکم شرع هیأت مرگ) - سید علیرضا آوایی (از اعضای هیأت مرگ در زندان‌های دزفول و اهواز) - یونسی - اسماعیل شوشتری، (رئیس سازمان زندان‌ها) - موسی واعظی (از مسئولان وزارت اطلاعات در زندان اوین) - با نام مستعار زمانی (حاجی زمانی) - آخوند سید حسین مرتضوی (رئیس زندان اوین) - محمد شریف‌زاده (معروف به محمدی)، (مسئول حفاظت دادستانی و مسئول تیم ضربت در بند ۲۰۹ زندان اوین و از اعضای اصلی کمیسیون مرگ) - محمد توانا (سربازجوی وزارت اطلاعات) - فاتحی (مسئول اطلاعات کرج، سر شکنجه گر کرج مستقر در زندان گوهردشت، عضو هیأت قتل‌عام) -

افرادی هم در آپارات حاکمیت اسلامی سهم ویژه داشتند همچون: محمد محمدی گیلانی - علی فلاحیان - اسدالله لاجوردی - حاج داوود رحمانی - موسوی اردبیلی - محسنی اژه‌ای اعضای کمیسیون مرگ - میرحسین موسوی (نخست وزیر) - محمد محمدی ری‌شهری (وزیر اطلاعات و از مسئولان و آمران اصلی قتلعام) - حسن حبیبی: (وزیر دادگستری و از مسئولان و آمران اصلی قتلعام) - اکبر رفسنجانی - احمد خمینی - احمد خاتمی - محمد موسوی‌خوئینیها (دادستان انقلاب کل کشور، یکی از بالاترین آمران قتلعام) - عباس عبدی (معاون دادستان انقلاب کل کشور) - احمد پورمحمدی (از مسئولان اصلی و مهم وزارت اطلاعات رژیم) ...